

واکاوی انتقادی روایات «حبس النساء» با رویکرد تحلیل گفتمانی

نسرین جعفری^۱

محمد کاظم رحمان ستایش^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

چکیده

روایات درباره زنان در دوران تدوین و نشر، فراز و فرودهای بسیاری را پیموده است که در نیمه قرن اول با حضور زنان آغاز شد، لکن در قرون بعدی به سمت خانه نشینی آنان پیش رفت. در متون روایی مجموعه‌ای از روایات وجود دارد که به حبس زنان در خانه دستور می‌دهد و علت را در خلقت زنان از مردان و عورت بودن زنان می‌داند. بنابراین، امر به خانه نشینی آنان شده است. بررسی روایات یادشده، از باب کشف حقیقت و تنقیح داده‌های مربوط به زنان در متون دینی و ارائه تصویر مناسب زن در اسلام ضروری است. نوشتار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تحلیل گفتمان، درصدد نقد و بررسی روایات فوق است. در بررسی این روایات، با دو برداشت کلی مواجه شدیم: برداشت اول، برداشت عرفی و مشهور است که عالمان و شارحان حدیث این دسته از روایات را حمل بر حبس زنان در خانه کرده‌اند که به علت اختلاف در ارزیابی اسناد و عدم سازگاری با قرآن و سیره نبوی، منعکس‌کننده گفتمان اسلامی نبوده و تحت تأثیر فرهنگ زمانه - که متأثر از منش حاکمیت و فرهنگ یهود بود - صادر شده است. برداشت دوم، مبتنی بر برخی قراین متنی است که این روایات را حمل بر تسریع در ازدواج زنان کرده و راه برون رفت از اشکالات فوق است.

کلیدواژه‌ها: روایات حبس زنان، تحلیل گفتمان حدیثی، فرهنگ جاهلی، نقد حدیث، حضور اجتماعی زنان.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، نویسنده مسئول (n.jafari57@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم (kr.setayesh@gmail.com).

۱. طرح مسأله

فرهنگ هر جامعه از آداب و رسوم مردمان آن به دست می‌آید. همان‌طور که فرهنگ یک مکتب را باید از متون اصلی و گفتار و سیره عملی بانیان نخستین آن گرفت. برای نشان دادن جایگاه زن در فرهنگ دینی، نخست باید به این اصل دقت کنیم که «فرهنگ اسلامی» با «فرهنگ مسلمانان» یکی نیست، زیرا فرهنگ اسلامی در طول قرون متمادی دستخوش تغییراتی شده که جای انکار ندارد. آن‌چه محصول این افزودن و کاستن‌هاست، فرهنگ مسلمانان نام دارد، نه فرهنگ اسلامی. فرهنگ اسلامی را باید از قرآن و گفتار و کردار معصومان علیهم‌السلام و فرهنگ مسلمانان را از گفتار و کردار مردمان مسلمان و آثار مکتوب باقی مانده از آن‌ها به دست آورد.^۱

اگرچه فرهنگ مسلمانان به غیر از فرهنگ اسلام نیست؛ چرا که برخاسته از متن قرآن و سیره معصومین علیهم‌السلام است، اما عواملی چون برداشت‌های متفاوت از متون دینی، میزان پایبندی به فرامین دینی، آداب و رسوم و حتی جغرافیا گاهی موجب فاصله گرفتن فرهنگ مسلمین از فرهنگ اسلامی شده است. و در بسیاری از موارد، به علت عدم تفکیک این دو، آن‌چه در فرهنگ مسلمانان نهادینه شده است، به اشتباه و یا به تلقی عوام مردم، به عنوان فرهنگ اسلامی تلقی می‌شود که چالش‌هایی را برای معرفی صحیح فرهنگ اسلامی به بار می‌آورد که موضوع زن از آن جمله است.

در خصوص زنان، یکی از مواردی که به اسم فرهنگ اسلامی نگریسته می‌شود و موجب ایجاد سوء تفاهماتی نسبت به دین شده، روایاتی است که دعوت به حبس زنان در خانه می‌کند. نقل حدیث در قرن اول هجری، علاوه بر مکتوبات به صورت سینه به سینه، از برخی راویان به دیگران انتقال می‌یافت. اگرچه گستره آن اندک بوده، اما علاوه بر تأثیر از حافظه ناقلان، تمایلات و گفتمان فکری آنان نیز به آن سمت و سوی بخشید، از طرفی، و منازعات سیاسی و مذهبی که همراه با قصه‌پردازی‌ها و اخلاق‌گرایی‌های زاهدانه در برخی راویان و حضور یهودیان تازه مسلمان شده از طرف دیگر، زمینه‌هایی را برای دست‌کاری و جعل احادیث فراهم آورد. بنابراین، دست‌یابی به نحوه پیدایش روایات «مذمت زنان» علاوه بر اعتبارسنجی سندی و متنی، نیازمند بررسی گفتمان حاکم بر فرهنگ عصر راویان و تأثیر آن بر پیدایش چنین روایاتی است.

۱. زن و فرهنگ دینی، ص ۱۴.

یکی از روش‌های بازخوانی احادیث و نشان دادن معنای نهفته در آن، روش تحلیل گفتمان است که مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختارواژه‌ها در آن بررسی می‌شود. در واقع، این روش، خروج از متن و حضور در فرامتن است.^۱ لذا در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر فقط با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله، به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، سرو کار نداریم، بلکه فراتر از آن، با بیرون متن، یعنی بافت موقعیتی، عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و... سرو کار داریم.^۲ به عبارتی، در این حوزه عوامل برون‌متنی، اهمیت و تأکید بیشتری دارد؛^۳ چرا که گفتمان عرصه ظهور معناهایی است که بخشی از آن در صراحت کلمه و بیشتر آن در ابهام جملات و گزاره‌ها نهفته است.^۴

در واقع، طبیعت گفتمان پژوهی ارائه احتمالات در معنای نهفته متون است. یکی از روش‌های تحلیل گفتمان، «تحلیل گفتمان انتقادی» است که در این نوع تحلیل، محقق فقط به عنصرهای زبانی، نظیر واژه‌ها، دستور زبان و نحونمی پردازد، بلکه عوامل بیرون از متن از جمله بافت یا موقعیت زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی از جمله: قدرت، تاریخی و ایدئولوژیکی را نیز در نظر می‌گیرد و متن را در رابطه با آن تحلیل می‌کند.^۵ لذا می‌توان با استفاده از ابزارهای گفتمانی، هر پدیده اجتماعی را تحلیل کرد. بنابراین، «روایات مذمت و منع حضور زنان» در عرصه اجتماع را می‌توان از این طریق به محک نقد و ارزیابی گذاشت؛ چرا که پذیرش گفتمان مذمت، موجب طرد اجتماعی زنان و به بازتولید این نگرش و آثار برآمده از آن، منجر خواهد شد. حال مسأله این است: اساساً آیا این روایات از معصوم علیها السلام صادر شده است یا خیر؟ و در فرض صدور، دلالت معنایی آن چگونه خواهد بود؟ و از طرفی، با استفاده از روش تحلیل گفتمان، منظومه فکری حاکم بر عصر راویان چه تأثیری در این روایات داشته است؟ لذا در این پژوهش با علم فقه‌الحديث و دیدگاه گفتمان‌پژوهی و تاریخی، صحت و سقم این روایات مورد بررسی و واکاوی قرار خواهد گرفت.

از آن جا که تحلیل گفتمان، به عنوان یک علم مدون روشی نوین بوده و از اواخر قرن نوزده

۱. کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی، ص ۱۴۱.

۲. «تحلیل گفتمان چیست؟»، ص ۵۹.

۳. روش عملیاتی تحلیل گفتمان، ص ۵۱.

۴. کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی، ص ۱۴۲.

۵. «نگاهی اجمالی به روش تحلیل گفتمان»، ص ۵.

میلادی ابداع شده^۱ و در برخی تحقیقات حدیث پژوهی مورد استفاده قرار گرفته است، این نوع پژوهش، عمر چندانی نداشته و در حال طرح و گسترش است؛ به ویژه تعیین اصالت احادیث مذمت زنان به این شیوه بسیار کم بوده است. از طرفی، با وجود گستره بالای منابع مرتبط با جایگاه زنان در اسلام و بررسی مناقشه برانگیز روایات مرتبط با «مذمت زنان» که می‌توان به: «تأملی در روایات نهج البلاغه در نکوهش زن» از فتحیه فتاحی زاده، «اعتبارسنجی روایات فتنه بودن زن» از علی راد و «اعتبارسنجی روایات النساء حبائل الشیطان» از سعیده غروی اشاره کرد که با روش تحلیل - انتقادی روایات مختلفی در این باب را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ لکن در بررسی نگارنده، مقاله‌ای که به صورت مستقل با بررسی همه جانبه به شیوه فقه الحدیثی و با رویکرد تحلیل گفتمان، به طور مشخص، به بررسی روایات «حبس النساء» پردازد، یافت نشد و تنها چند مقاله محدود، آن هم با رویکرد فقهی و حقوقی در بخشی از متن خود این دسته از روایات را مورد بررسی قرار داده بودند؛ برای مثال، مقاله‌ای با عنوان «حبس خانگی از منظر قرآن کریم، روایات و فقه اسلامی» از محمدعلی حاجی ده‌آبادی - که واژه حبس در قرآن را با رویکرد فقهی بررسی کرده - و مقاله «تأملی بر نظریه خانه نشینی زنان در فقه اسلامی» از فرج‌اله هدایت‌نیا که به بررسی فقهی و چالش‌های پیش‌رو پرداخته و بررسی سندی روایات را واگذار کرده بود. لذا جای مقاله‌ای که به صورت جامع، احادیث «حبس النساء» را مورد بررسی قرار دهد و در عین توجه به مباحث فقه الحدیثی، به ریشه‌یابی تولید و نشر این روایات پردازد، خالی است تا روایات سره را از ناسره جدا کند. این امرگامی در خصوص تنقیح متون روایی از احادیث جعلی خواهد بود. از این رو پژوهش پیش رو جنبه نوآوری دارد.

۲. روایات «حبس النساء» و قرائت‌های متفاوت آن

در متون روایی به مجموعه روایاتی برخورد می‌کنیم که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم دعوت به خانه نشینی زنان و حبس آن‌ها در خانه می‌کند. بررسی اولیه این روایات، حکایت از آن دارد که با وجود تفاوت در متن و شدت و ضعف در دلالت، دعوت به حبس و زندانی کردن زنان می‌کنند و علت را خلقت زنان از مردان و در نتیجه، تمایل زن به مرد و عورت بودن زن - که باید مستور باشد - می‌داند. لکن با بررسی بیشتر متوجه

۱. روش عملیاتی تحلیل گفتمان، ص ۲۱.

می‌شویم که برداشت‌ها و معناهای مستخرج از این روایات متفاوت است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۱-۲. روایات حبس النساء و ارزیابی سندی

ابتدا به بررسی سندی این روایات می‌پردازیم؛ گرچه توجه به این نکته حایز اهمیت است که موثق‌الصدور بودن روایات، از مجموعه ارزیابی‌های بیرونی، درونی و عرضه آن‌ها بر قرآن و سنت، سیره عملی به دست می‌آید و سند به تنهایی نمی‌تواند اعتبار یک روایت را مشخص کند.

گونه نخست: روایاتی که علت حبس زن در خانه را خلقت زن از مرد و در نتیجه تمایل زنان به مردان می‌داند.

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ وَهْبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: «خُلِقَ الرَّجَالُ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّمَا هُمُهَا فِي الْأَرْضِ وَ خُلِقَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرَّجَالِ وَإِنَّمَا هُمُهَا فِي الرَّجَالِ إِحْسُوا نِسَاءَكُمْ يَا مَعْاشِرَ الرَّجَالِ!»^۱

مردها از زمین و خاک آفریده شده‌اند، به همین خاطر هم هست که تمام هم و تلاششان زمین و ملک است و زن‌ها از مردها آفریده شده‌اند. به همین دلیل هم هست که علاقه‌مند به مردان هستند. پس ای جماعت مردان، زنانتان را در خانه حبس کنید!

بررسی سندی: سند این روایت به علت وجود وهب بن وهب قرشی، که عامی مذهب است^۲ و رجالیان شیعه او را متهم به دروغ‌گویی کرده^۳ و ضعیف دانسته‌اند، ضعیف است.^۴

۲. و عن محمد بن يحيى، عن عبد الله بن محمد، عن علي بن الحكم، عن أبان بن عثمان، عن عبد الرحمن بن سبابه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ فَهَمَّةُ النِّسَاءِ الرَّجَالُ فَخَصَّنُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ»^۵

خداوند حوا را از آدم خلق کرد. پس هم و تلاش زنان در مردان هست. پس آنان را در خانه زندانی کنید.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۷.

۲. فهرست الطوسی، ص ۴۷۸؛ خلاصة الاقوال، ج ۱، ص ۲۶۲.

۳. رجال الکشی، ج ۲، ص ۵۹۷.

۴. فهرست الطوسی، ص ۴۸۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۲۰، ص ۲۳۲.

۵. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۷.

بررسی سندی: این روایت، با توجه به حضور عبدالله بن محمد بن عیسی اشعری - که در کتب رجالی، مهمل است - ضعیف شمرده شده است؛^۱ اما در نرم افزار درایة النور، به جهت اکثر روایت اجلاء توثیق شده است. و عده ای ابان بن عثمان را از ناووسیه دانسته اند،^۲ اما فساد مذهب او رد شده و لذا حدیث را صحیح دانسته است.

۳. [عن محمد بن یحیی، عن عبدالله بن محمد، عن علی بن الحکم] ابان، عن الواسطی، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ فَهَمَّةُ ابْنِ آدَمَ فِي الْمَاءِ وَالطِّينِ وَخَلَقَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ فَهَمَّةُ التِّسَاءِ فِي الرِّجَالِ فَحَصَّوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ»؛^۳

خداوند آدم را از آب و گل آفرید پس هم و تلاش او آب و گل است و حوا را از آدم خلق کرد پس هم و تلاش زنان در مردان است پس آنان را در خانه زندانی کنید.

بررسی سندی: علامه مجلسی در مرآة العقول سند این روایت را ضعیف ارزیابی کرده است،^۴ لکن در نرم افزار درایة النور، بر پایه مبانی رجالی محققانش، سند روایت را صحیح دانسته اند.

۴. أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ، عَنْ غِيَاثِ بْنِ أَبِي إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنَ الرَّجُلِ وَإِنَّمَا هَمَّتْهَا فِي الرِّجَالِ فَاحْسَبُوا نِسَاءَكُمْ وَإِنَّ الرَّجُلَ خُلِقَ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّمَا هَمَّتْهُ فِي الْأَرْضِ»؛^۵

زن از مرد خلق شده است و تنها هم و تلاشش در مردان است پس زنانان را در خانه حبس کنید و همانا مرد از زمین خلق شده است و تنها هم و تلاش او در زمین است.

بررسی سندی: راویان این حدیث، همه معتمد هستند، مگر غیاث بن ابراهیم که علامه حلی او را زیدی بتری^۶ معرفی کرده و در معجم رجال الحدیث هم این دیدگاه پذیرفته شده است.^۷ همچنین در کتب رجالی اهل سنت به عنوان فردی مدلس و جاعل حدیث معرفی

۱. مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۰.

۲. رجال الکشی، ج ۲، ص ۵.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۷.

۴. مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۰.

۵. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۹۸.

۶. بتریه گروهی از زیدیه است که تقدم مفضول بر فاضل (ابوبکر و عمر بر امام علی عليه السلام) را جایز می دانند و به همین دلیل، در مجالس و محافل فریقین حضور داشتند و از هر دو گروه روایت اخذ کردند (تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۷۶).

۷. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

شده است. لذا سند روایت ضعیف ارزیابی شده است. در نرم افزار درایه النور بر پایه مبانی رجالی محققانش این دیدگاه پذیرفته نشده است. لذا حدیث را صحیح دانسته اند.
گونه دوم: روایاتی که زن را عورت معرفی می‌کند که باید مستور باشد در نتیجه دعوت به حبس او می‌کند

۱. در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین آمده است:

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «النِّسَاءُ عَوْرَةٌ، فَاحْسِبُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ، وَاسْتَعِينُوا عَلَمِهِنَّ بِالْعُزْرِ»؛^۱

زنان عورت هستند. پس آن‌ها را در خانه حبس کنید و از بی لباسی^۲ برای نگهداری آن‌ها کمک جوئید.

بررسی سندی: سند این روایت، به دلیل آن‌که در کتاب الجعفریات است، محل بحث است؛ چراکه برخی از علما، چون صاحب جواهر^۳ در آن تردید دارند. از طرفی، مضامین روایات این کتاب با مشهورات فقهی امامیه در تعارض و موافق روایات عامه است^۴ که این مسأله، خود موجب چالشی شدن اصالت کتاب شده است و افرادی چون شیخ یوسف بحرانی، عالم برجسته اخباری، آن را کتابی «مجهول» می‌داند که اعتماد بر آن ممکن نیست.^۵ محمد تقی شوشتری نیز کتاب را دربردارنده اخبار شاذ می‌داند.^۶ البته عده‌ای از علما نیز چون سید بن طاووس^۷ و آقابزرگ تهرانی^۸ به کتاب الجعفریات، خوش بین بوده و آن را تلقی به قبول کرده‌اند. این روایت در النوادر راوندی نیز آمده که یا مرسل است یا همان

۱. الجعفریات، ج ۱، ص ۹۴.

۵. بی شک منظور از بی لباسی زنان در این عبارت، برهنه نگاه داشتن آن‌ها نیست؛ چرا که این کار با اصول و مبانی فقهی و اخلاقی منافات دارد. منظور معنای کنایی است که از استعمالات عرفی و به قرینه مقابله با ذیل روایت، برداشت می‌شود. در استعمال عرفی زبان محاوره‌ای خود ما نیز این امر مشهود است. وقتی کسی لباس نو یا مد روز یا جدیدی بخواهد، می‌گوید: هیچ لباسی ندارم.

۳. أصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ص ۳۲۰.

۴. کتاب نکاح، ج ۱۸، ص ۵۸۱۷.

۵. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۲، ص ۹۵.

۶. قاموس الرجال، ج ۲، ص ۱۲۰.

۷. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۳.

۸. الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۹.

روایت الجعفریات است.^۱ ابن جزری نیز معتقد است این حدیث با این سیاق، غریب است.^۲ لذا به لحاظ سندی، جای تأمل دارد و موثق الصدور نیست.

۲-۲. حبس و حصن

حبس در لغت از سویی به فعل انسان، ناظر بوده و از سویی دیگر، ناظر به محیط و مکانی است که این فعل در آن انجام می‌گیرد. لذا حبس به معنای زندانی کردن آمده است: «أُحْبِسْتُ فِرْسًا فَي سَبِيلِ اللَّهِ».^۳ همچنین به معنای مانع شدن، خودداری کردن هم هست: «الْحَبْسُ: الْمَنْعُ وَالْإِمْسَاكُ».^۴ یا به معنای مانع از حرکت شیء شدن: «[حبس] حبست الشيء أحبسه حبسا إذا منعه عن الحركة».^۵ از طرفی، همان‌طور که اشاره شد، به معنای اسم مکان نیز به کار رفته است: «وَالْحَبْسُ: مَوْضِعٌ».^۶ «والمحبس: الموضع الذي تحبس فيه الدابة».^۷ «حبس: الحبس والمحبس: موضعان للمحبوس، فالمحبس يكون سجناً؛ محل زندانی کردن».^۸ بر این اساس، ترجمه روایات به شکل زیر خواهد بود.

«إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنَ الرَّجُلِ، وَإِنَّمَا هَمَّتْهَا فِي الرَّجَالِ، فَأَحْبِسُوا نِسَاءَكُمْ، وَإِنَّ الرَّجُلَ خُلِقَ مِنَ الْأَرْضِ، وَإِنَّمَا هَمَّتُهُ فِي الْأَرْضِ»^۹

زن از مرد خلق شده است پس هم و تلاش او در مردان است. پس آنان را در خانه حبس کنید و همانا مرد از زمین خلق شده است پس هم و تلاش او در زمین است.

البته معنای دیگری هم برای حبس، گفته شده و آن به معنای چیزی را به خود اختصاص دادن است:

احتببْتُ الشيءَ أَي خَصَصْتُهُ لِنَفْسِي خَاصَّةً؛^{۱۰}

۱. أصول علم الرجال بين النظرية و التطبيق، ص ۳۲۸.

۲. الاربعون الزاهرة المنسوبة إلى العترة الطاهرة، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳. معجم مقانيس اللغة، ج ۲، ص ۱۲۸.

۴. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۵، ص ۵۲۰.

۵. جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۲۷۷.

۶. همان.

۷. همان.

۸. كتاب العين، ج ۳، ص ۱۵۰.

۹. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۹۸.

۱۰. همان، ص ۱۵۱.

آن چیز را حبس کردم، یعنی آن را مخصوصاً به خود اختصاص دادم.

اِخْتِصَاصُكَ بِهِ نَفْسِكَ، تَقُولُ: اِخْتَبَسْتُ الشَّيْءَ، إِذَا اِخْتَصَصْتَهُ لِنَفْسِكَ خَاصَّةً.^۱

که براین اساس معنای روایات به شکل زیر خواهد بود:

«إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنَ الرَّجُلِ، وَإِنَّمَا هَمَّتْهَا فِي الرَّجَالِ، فَأَخْبَسُوا نِسَاءَكُمْ، وَإِنَّ الرَّجُلَ خُلِقَ مِنَ الْأَرْضِ، وَإِنَّمَا هَمَّتُهُ فِي الْأَرْضِ»؛^۲

زن از مرد خلق شده است. پس هم و تلاش او در مردان است. پس آنان را به خود اختصاص دهید (با آنان ازدواج کنید) و همانا مرد از زمین خلق شده است. پس هم و تلاش او در زمین است.

واژه «حصن» نیز به معنای حفظ و نگهداری آمده است:

وَهُوَ الْحِفْظُ وَالْحِيَاطَةُ وَالْحِزْنُ.^۳

همچنین به معنای دژ و قلعه نیز معنا شده است. از طرفی^۴ تزوجن، أحصن به معنای ازدواج کردن هم به کار رفته است:^۵

وَامْرَأَةٌ مَحْصَنَةٌ: أَحْصَنَهَا زَوْجُهَا؛^۶

زن محصنه زنی که شوهرش او را حفظ کرده است (به وسیله ازدواج).

براین اساس معنای روایت زیر این گونه خواهد بود:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ حَوَاءَ مِنْ أَدَمَ، فَهَمَّتُ النِّسَاءَ الرَّجَالُ، فَخَصَّنُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ»؛^۷

خداوند حوا را از آدم خلق کرد. پس هم و تلاش زنان در مردان هست. پس آن‌ها را با ازدواج محافظت کنید.

۳. دو برداشت کلی از روایات «حبس النساء»

به نظرمی رسد شارحان حدیث براین اساس خوانش‌های متفاوتی از این احادیث داشته‌اند.

۱. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۵، ص ۵۲۵.
۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۹۸.
۳. معجم المقانیس اللغة، ج ۲۰، ص ۶۹.
۴. ال مفردات، ج ۱، ص ۲۳۹.
۵. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۸، ص ۱۴۹.
۶. کتاب العین، ج ۳، ص ۱۱۸.
۷. ال کافی، ج ۵، ص ۳۳۷.

۳-۱. برداشت اول

عده‌ای از علما و محققان در مواجهه با این روایات معنای عرفی و مشهور آن را احصا کرده و آن را حمل بر حبس زنان کرده‌اند؛ برای نمونه، شیخ حرعاملی این روایت را ذیل مبحث «باب استحباب حبس المراه فی بیتها أو بیت زوجها...» ذکر کرده و آن را حمل بر استحباب حبس زن کرده است.^۱

جامع احادیث الشیعه نیز این روایات را ذیل باب «باب استحباب تحصین المرأة فی البیت» آورده و همین معنا را برداشت کرده است.^۲

مرحوم مامقانی این روایت را بر استحباب حبس زنان در خانه و عدم خروج جز در مواقع ضرورت حمل کرده است.^۳

شاه عبدالعظیمی نیز همین برداشت را بیان کرده و دلیل آن را جلوگیری از فساد زن می‌داند.^۴

و مرحوم فیض کاشانی، ضمن پذیرش این خوانش، آن را ذیل باب «باب تأدیب النساء و ترک طاعتهن» آورده و در جهت تأدیب زن تفسیر می‌کند.^۵

همچنین علامه مجلسی در تحلیل احادیث مشابه حبس زن در خانه را در صورت خوف فتنه لازم دانسته و ضرورت را استثنا کرده است.^۶

آیه الله تبریزی نیز در پاسخ به سؤالی که در خصوص «حبس النساء» از ایشان شده است، همین معنا را اراده کرده و خروج از منزل را در مواقع ضروری جایز دانسته است.

در واقع، در این نگاه - که برداشت عرفی و مشهور از روایات «حبس النساء» است و در اغلب کتبی که به صورت سطحی و برای مخاطب عام نگاشته شده است - همین خوانش دنبال شده که نشان از شیوع این برداشت دارد.^۷

از این رو، نظر غالب و عرفی که از این روایات برداشت می‌شود، همان دعوت به حبس و

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۴.

۲. جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۶۱.

۳. مرآة الکمال لمن درک مصالح الاعمال، ج ۲، ص ۹۴.

۴. تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۴۴۰.

۵. ال وافی، ج ۲۲، ص ۷۹۷.

۶. مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۷۳.

۷. برای نمونه: آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص ۱۶۲؛ کتاب المؤمنات، ص ۴۲؛ حقوق و تکالیف زوجین، ص ۳۵؛

سبک زندگی اسلامی، ص ۱۸۳ و کتاب‌هایی از این دست.

زندانی کردن زنان است که موجب تولید گفتمان فرودستانه و متهم کردن اسلام در ظلم به زنان شده است و به عقیده نگارنده، ذهنیت و پیش فرض خاصی که در معرض این روایات قرار گرفته اند، در برداشت دوگانه از معنای روایت و جهت دهی به ذهنیت عوام مؤثر بوده است. البته بدیهی است که روایات توسط راویان با توجه به ساختار ذهنی ایشان نقل می شود. از این رو، محتوای روایات با نقل و ناقل آن‌ها کاملاً مرتبط است. در واقع، راوی آن چه را که در قالب ذهنی خودش می فهمد، نقل می کند. برخی نقل های فوق به شکل مطلق نقل شده است. این نقل ها و این قرائت از آن با یکدیگر وابستگی دارند. این جا به بررسی این نقل ها و برداشت خاص از آن می پردازیم، اما الزاماً به معنای این نیست که مطلقاً این روایات بررسی می شوند.

همچنین نقد حدیث و بازشناسی روایات به منظور دستیابی احادیث صحیح از احادیث ضعیف، با عنوان اعتبارسنجی آن‌ها، مبتنی بر معیارها و لوازمی است که مشکلات پیرامون روایات را شناسایی نموده و از ورود احادیث برساخته به گنجینه های معنوی دینی جلوگیری نماید. این مهم در بررسی های درون متنی و برون متنی روایات نهفته است و برای هر یک معیارهایی تعیین شده که محکی در سیر چنین پژوهش هایی است.

از جمله این معیارها در فهم درون متنی روایات، هماهنگی و همنوایی با قرآن کریم، سنت پیامبر ﷺ، عقل سلیم، مسلمات دینی، حس و تجربه، دستاوردهای قطعی بشر در زمینه های مختلف علوم تجربی، تاریخ و و در فهم برون دینی آن بررسی سند منبع و مأخذ حدیث و ناقلان آن ملاک قطعی اند.^۱

در بخش برون دینی با توجه به بررسی سندی، مشخص شد که در صحت و سقم اسناد این روایات، اختلاف وجود دارد؛ زیرا عده ای از بزرگان، صحت اسناد را پذیرفته و عده ای نیز آن را رد کرده اند. در کنار این امر، بررسی درون متنی و محتوایی نیز در روشن شدن سلامت روایات، ما را یاری خواهد کرد. که هماهنگی و همنوایی با قرآن از جمله آن هاست؛ همان طور که پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام به این امر توصیه کرده اند که:

«إذا ورد علیکم حدیثان مختلفان فاعرضوهما علی کتاب الله، فما وافق کتاب الله فخذوه، و

ما خالف کتاب الله فردوه».^۲

۱. شناخت نامه حدیث، ص ۵۶-۹۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱۸.

۳-۲-۱. حبس زن و عرضه بر قرآن

انسان، سرشتی اجتماعی دارد و حضور در جامعه و تعامل با هم نوعان خود، نیاز فطری است. قرآن برای پاسخ به این نیاز، حضور زن در جامعه را به رسمیت شناخته و نه تنها آن‌ها را از این حضور منع نکرده، بلکه حدود و ثغور آن را نیز با ارائه الگوهای عملی مشخص کرده است؛ الگوهایی چون ملکه سبا که به امر حکومت داری مشغول بود^۱ و دختران شعیب که در جامعه فعالیت اقتصادی داشتند^۲ و یا آسیه که از جور حاکمان وقت، بیزاری می جست و برای تحقق وعده الهی در جامعه تلاش می کرد^۳ تا زنانی که برای یاری رساندن به جبهه حق، از بیعت با پیامبر اکرم ﷺ تا هجرت از دیار خویش پیش رفتند.^۴

بیعت گرفتن پیامبر ﷺ از زنان نشان دهنده حضور اجتماعی آنان و به رسمیت شناختن این حضور از جانب حضرت است که مبین کلام الهی هستند. لذا از فحوی آیات به دست می آید که قرآن، موافق حضور زنان در عرصه اجتماع است. البته یک استثنا هم وجود دارد و آن برای کسانی است که مرتکب فحشای مبینه شده باشند و از این طریق، خانه نشینی را تنبیهی برای زنان فاحشه قرار داده، نه تکلیفی برای عموم زنان. لذا می فرماید:

﴿وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا﴾^۵

در این آیه عبارت «فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ» مورد استدلال ماست که امساک را به معنای «حبس کردن» دانسته اند^۶ که اشاره به حبس دائمی زن دارد و البته آن را مترتب بر شهادت دادن شهود، نه بر اصل وقوع عمل زشت دانسته اند. بنابراین، «وقتی حکم حبس ابد از ناحیه حاکم صادر می شود که چهار شاهد بر صدور عمل فاحشه از زن شهادت دهد و اگر شهود، شهادت ندهند، حکم صادر نمی شود. این خود یکی از منت های خدای سبحان بر امت اسلام است که نسبت به او عفو و اغماض اعمال فرموده است»^۷. و با عبارت قرآنی فوق، خداوند زنان فاحشه را از زنان پاکدامن جدا و

۱. سوره نمل، آیه ۲۳.

۲. سوره قصص، آیه ۲۳.

۳. سوره تحریم، آیه ۱۱.

۴. سوره ممتحنه، آیه ۱۲.

۵. سوره ممتحنه، آیه ۱۰.

۶. سوره نساء، آیه ۱۵.

۷. معجم مقانیس اللغة، ج ۵، ص ۳۲۰.

۸. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۷۰.

استثنا کرده و این که امر می کند زنان فاحشه را در خانه حبس کنید، نمایان گر حضور زنان در اجتماع بوده و عدم آن، تنبیه به شمار می آید.^۱ لذا قرآن، موافق با حضور اجتماعی زن است؛ حتی گاهی آن را واجب می داند، مثل حضور در حج با تحقق شرایط آن.^۲

البته با وجود شواهد قرآنی فوق، عده ای برای مشروعیت بخشیدن به خانه نشینی مطلق زنان به آیه ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾ استناد کرده اند و این گونه سعی کرده اند که بر نظر خود، دلیل قرآنی اقامه کنند؛ لکن باید توجه داشت که این عبارت کریمه بر «ملازمت زنان پیامبر در خانه جز در مواقع اضطرار و ضرورت» دلالت دارد^۳ که این ملازمت به معنای حبس و زندانی کردن در خانه نیست، بلکه مراد این است که زنان پیامبر، خروج نمایشی همراه با تبرج از خانه نداشته باشند؛ زیرا این نوع خروج با کمال اخلاقی و تقوای زن ناسازگار است. از این رو، خروج زنان از خانه برای انجام اموری چون شرکت در نماز، تأمین نیازهای خانه و خانواده، حج، طلب علم، رحلت پدر و مادر و ...^۴ روا و بلکه لازم است و حکم خانه نشینی زنان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنا بر نظر کسانی است که حکم را از اختصاصات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می دانند. اما کسانی که تعمیم داده اند، گستره دلالت آیه را از زنان پیامبر، خارج و به عموم زنان مسلمان تعمیم داده اند.^۵ لذا مراد آیه، عدم خروج مطلق نیست، بلکه خروج با تبرج و خودنمایی است که دستوری عام برای همه زنان مسلمان است.

۳-۱-۲. خلقت آدم و حوا در قرآن

روایات «حبس النساء» فلسفه حبس زن در خانه را خلقت او از مرد و در نتیجه تمایل زنان به مردان می داند که این مسأله می تواند موجبات فتنه انگیزی را فراهم سازد. برای روشن شدن این ادعا باید بینیم نظر قرآن درباره خلقت زن چیست؟ در داستان خلقت آدم و حوا، وقتی سراغ قرآن می رویم، با چند دسته از آیات مواجه می شویم که عبارت اند از:

قرآن، خلقت اولیه انسان را از خاک،^۶ گل،^۷ گل چسبنده،^۸ گل خشکیده از گل سیاه و

۱. «روایت عی و العوره و وجوب حجاب شرعی تا قرن پنجم»، ص ۱۱۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۰.

۴. التحریر و التنویر، ج ۲۲، ص ۱۱.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۰.

۶. سوره آل عمران، آیه ۵۹.

۷. سوره سجده، آیه ۷.

۸. سوره صافات، آیه ۱۱.

بدبو^۱ و گل خشکیده سفال^۲ می داند و در آیات مذکور تعبیر انسان، عام است و هر دو جنس زن و مرد را شامل می شود.^۳
 در آیه ششم سوره زمر نیز می فرماید:

﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾.

و در آیات یکم سوره نساء و ۱۸۹ اعراف هم تعبیر مشابه دارد که اغلب مفسرین «نفس واحد» را آدم و «زوجها» را حوا تفسیر کرده اند؛ اما در آفرینش این دو اختلاف نظر دارند که اکثر مفسران معاصر، نظر آفرینش حوا از جنس و نوع آدم و نه از بدن آدم را برگزیده اند.^۴
 لذا روایاتی که خلقت زن را از مرد می دانند، با آیات فوق، هم خوانی ندارند و از سستی سند، رنج می برند که بیشتر، برگرفته از اندیشه یهود و بازناب دهنده دیدگاه درجه دومی نسبت به زنان است که تبیین این مسأله، مجال دیگری می طلبد.

۳-۱-۲-۳. حبس زن در خانه در سایر روایات

در خانواده حدیث روایات «حبس النساء»، فقط در یک روایت صحیح السند، حبس زن را آن هم مشروط به انجام فعل منافی عفت عمومی، جایز دانسته است:

وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنَّ أُمَّي لَا تَدْفَعُ يَدَ لَامِسٍ، قَالَ: فَأَحْبِسْهَا! قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ. قَالَ: فَأَمْنَعُ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْهَا! قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ. قَالَ: فَفَقَيْدَهَا، فَإِنَّكَ لَا تَبْرُهَا بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ تَمْنَعَهَا مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»؛^۵

عبدالله بن سنان از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ ذکر می کند:

شخصی خدمت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و گفت: مادرم دست بیگانه را رد نمی کند (به او زنا می دهد). رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: او را حبس کن! گفت: حبس کردم. فرمود: نگذار کسی پیش او برود! گفت: انجام داده ام. فرمود: او را در بند کن؛ زیرا هیچ خوبی در حق او بهتر از این نیست که او را از محرمات الهی بازدارد.

۱. سوره حجر، آیه ۲۶.

۲. سوره الرحمن، آیه ۱۴.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۱۵۸؛ ج ۱۶، ص ۲۶۳.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۱۵.

۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۷۲.

در این روایت، حبس زن را در صورت فاحشه مبینة، جایز دانسته است، نه به صورت مطلق که در روایات «حبس النساء» اشاره شد. از طرفی، اگر قرائت مرحوم کلینی را - که در ادامه بحث به آن اشاره خواهیم کرد - لحاظ کنیم، به معنای بازداشتن زن از محرمات الهی به واسطه ازدواج خواهد بود. که در هر دو صورت با خوانش عرفی روایات «حبس النساء» سازگار نیست.

۳-۲-۱-۴. حبس زن و سیره نبوی

همان طور که اشاره شد، حبس زنان در خانه با متن قرآن سازگاری نداشت. در کنار این منبع مهم، سیره نبوی به عنوان دومین منبع اصلی فرهنگ اسلامی که خداوند متعال با نزول آیه ۴۴ سوره نحل، تبیین مسائیل قرآنی را به عهده نبی اکرم ﷺ گذاشت و در آیه ۳۱ سوره احزاب، عصمت و صلاحیت آن جناب و اهل بیتش را مورد تأکید قرارداد و حضرتش با صدور حدیث ثقلین، حجیت سنت و سیره عملی خویش را امضا کرده است. لذا به عنوان منبعی قابل اعتماد برای سنجش احادیث مطرح است که با رجوع به آن می توانیم چشم اندازی درست از سلامت روایات به دست آوریم. از این جهت، وقتی به سیره نبوی رجوع می کنیم و آن را مورد بازخوانی قرار می دهیم، متوجه می شویم که پیامبر اکرم ﷺ در مواجهه با زنان، به عنوان نیمی از پیکره امت اسلامی و حضور آنان در اجتماع، اهتمام لازم را داشته و آن را به رسمیت شناخته بودند؛ برای نمونه، از همان نخستین روزهای آغازین رسالت خود، توجه به قشر زنان را به عنوان نیمی از جامعه انسانی که از نگاه تنگ نظرانه و فرودستانه رنج می بردند، مورد توجه قرار دادند و در پیمان عقبه اولی، یکی از مفاد این پیمان را دوری از زنا معرفی فرمودند^۱ که جلوگیری از استفاده ابزاری از آنان بود و در پیمان عقبه ثانی، در کنار بیعت کنندگان مرد، دوزن نیز حضور داشت^۲ و این گونه با دادن حق رأی به آنان، وجودشان را محترم و آن ها را در مناسبات اجتماعی سهیم کرد و در امور مختلف با ایشان مشورت می کرد. از جمله مشورت با ام سلمه بعد از صلح حدیبیه در دعوت مسلمانان به قربانی و تقصیر کردن^۳ و حضور زنان در برخی از جنگ ها و یاری رساندن به مجروحین تا پذیرفتن وساطت و شفاعت آنان در جنگ، و لو این که در سپاه دشمن بوده

۱. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۴۳۳.

۲. أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۵۲.

۳. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۰۵.

باشند. ام حکیم از جمله آنهاست و در جنگ احد شرکت کرده و به تشویق سپاهیان دشمن پرداخته و به آنان روحیه داده بود. پس از فتح مکه، مسلمان شد^۱ و به نزد پیامبر ﷺ آمد و برای شوهرش عکرمه - که فرزند ابوجهل، از بدترین دشمنان پیامبر ﷺ بود^۲ و پس از فتح مکه به یمن گریخته بود - امان گرفت.^۳ پیامبر ﷺ نیز با پذیرش وساطت این زن به همسرش عکرمه امان داد. نیز حضور زنان در مساجد که سمبل حرکت‌های اجتماعی عصر پیامبر بوده است و با تأیید آن جناب ﷺ همراه بوده است.^۴

ام سلمه می‌گوید:

زنان در عهد رسول خدا وقتی سلام پایان نماز را می‌دادند، به خانه می‌رفتند، ولی مردان هر چه می‌خواستند، می‌ماندند تا وقتی که رسول خدا بلند شود و برود.^۵

در روایت دیگری عایشه می‌گوید:

زنان حتی هنگام صبح، نمازهای خود را با پیامبر به جا می‌آوردند و وقتی که با لباس‌های پیچیده به خودشان از مسجد بیرون می‌رفتند، در تاریکی آن هنگام گم می‌شدند.

این روایات نشان از حضور زنان در یکی از مراکز مهم اجتماعی دارد. همچنین دعوت آن‌ها به علم‌آموزی که تعداد زیادی از زنان در محضر ایشان، به منظور دست‌یابی به علم و دانش از امکانات مساوی با مردان برخوردار شدند:

«طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»^۶

که از آن جمله می‌توان به حفصه اشاره کرد که پیامبر اکرم ﷺ شخصاً از زنی به نام شفاء دختر عبدالله العدویه - که خواندن و نوشتن بلد بود - درخواست کرد به همسرش حفصه آموزش دهد.^۷ ایشان با این حرکت، خود میدان‌دار تشویق زنان به حضور در مجامع آکادمیک و علمی بودند. لذا جای‌جای سیره عملی پیامبر اکرم ﷺ از نگاه کریمانه و انسانی ایشان به زن نشان دارد که ملازم با تأیید حضور اجتماعی و حتی سیاسی آن‌ها از ناحیه

۱. همان، ج ۷، ص ۳۰۹.

۲. الاستیعاب فی معرفة الأصباح، ج ۳، ص ۱۰۸۲.

۳. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۷، ص ۳۰۹.

۴. صحیح ال بخاری، ج ۱، ص ۱۷۲.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۳۷؛ الام، ج ۱، ص ۹۳.

۶. الکافی، ج ۱، ص ۳۱.

۷. فتوح البلدان، ج ۳، ص ۵۸۰.

حضرتش بوده است. گاهی این حضور در حد تکلیف بود. لذا احادیث «حبس النساء» نمی‌تواند در مقابل سیره قطعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که حاکی از احترام و اکرام زنان و تأیید حضور اجتماعی ایشان است - مقاومت کند.

۲-۲-۳. عورت بودن زن و حبس در خانه

گونه دوم روایات، زنان را عورت معرفی می‌کند و چون ستر عورت لازم است، دستور به حبس آن‌ها در خانه می‌دهد. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است:

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «النِّسَاءُ عَوْرَةٌ فَأَحْبِسُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ وَاسْتَعِينُوا عَلَيْهِنَّ بِالْعُرَى»؛^۱

زنان عورت هستند. پس آن‌ها را در خانه حبس کنید و از بی‌لباسی^۲ برای نگهداری آن‌ها کمک جوئید.

لازم به ذکر است که «عی» در لغت به معنای عجز و ناتوانی از سخن گفتن است.^۳ همچنین به معنای زشتی و کلمه قبیح است و منشأ آن، شرم است. به خاطر شرم از ظاهر مذموم، به زنان عوره می‌گویند.^۴

۱-۲-۳-۳. عورت بودن زن و عرضه بر قرآن

همان‌طور که اشاره شده، عورت چیزی است که باید مستور بماند و یکی از راه‌های مستور کردن آن، حبس در خانه است. اما آیا قرآن کریم، زن را به عنوان عورت معرفی می‌کند؟ برای رسیدن به این امر باید دید قرآن از چه تعبیری برای معرفی زنان استفاده می‌کند. قرآن در توصیف زن از تعبیری چون لباس^۵ - که عامل پوشش عیوب است - و واژه حرث^۶ با کاربرد

۱. الجعفریات، ج ۱، ص ۹۴

۲. بی‌شک منظور از بی‌لباسی زنان در این عبارت، برهنه نگاه داشتن آن‌ها نیست؛ چرا که این کار با اصول و مبانی فقهی و اخلاقی منافات دارد. منظور معنای کنایی است که از استعمالات عرفی و به قرینه مقابله با ذیل روایت، برداشت می‌شود. در استعمال عرفی زبان محاوره‌ای خود ما نیز این امر مشهود است. وقتی کسی لباس نو یا مد روز یا جدیدی بخواهد، می‌گوید: هیچ لباسی ندارم.

۳. المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۵۲؛ ال‌واهی، ج ۲۲، ص ۷۹۷.

۴. المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۵۲

۵. سوره بقره، آیه ۱۷۸.

۶. سوره بقره، آیه ۲۲۳؛ عده‌ای از نواندیشان معاصر معتقدند واژه «حرث» بار منفی داشته و خشنونت جنسی علیه ←

پرورش و مایه آرامش^۱ - که هر سه جنبه مدح‌گونه و مثبت دارد - استفاده کرده و از واژه عورت - که بار منفی دارد - استفاده نکرده است.

۲-۲-۲-۳. عورت بودن زن و سنت نبوی

در کنار قرآن، بررسی سنت نبوی به عنوان دومین منبع در تعیین اصالت متون دینی نقش مهمی دارد. لذا زمانی که به سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رجوع می‌کنیم، حبس زنان و قبح حضور اجتماعی ایشان به دست نمی‌آید؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله به درخواست زنان، برای حضور آنان نزد ایشان، روزی را به عنوان روز اختصاصی زنان قرار داد.^۲ در صورتی که طبق روایت فوق می‌توانست درخواست زنان را رد کند. همچنین روایت فوق با سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر گلایه سوده از برخورد تند عمر با وی به علت خروج از منزل که فرمود:

«قَدْ أذنَ اللهُ لَكُنَّ أَنْ تَخْرُجْنَ لِحَوَائِكُنَّ»^۳

همانا خداوند به آن‌ها (زنان) اجازه داده است که برای برطرف کردن حوایج (نیازمندی‌ها) خود از خانه خارج شوند.

ناسازگار است؛ زیرا این روایت، جواز خروج زنان از خانه است،^۴ برای هر آن چیزی که نیاز به خروج از منزل دارد؛ از زیارت پدران و مادران و خویشان گرفته تا حضور در مساجد است.^۵ همچنین عسقلانی به نقل از ابن بطلال بر این عقیده است که بالاتر از آن، جواز سخن گفتن مردان با زنان در حد ضرورت در بیرون از خانه هم به دست می‌آید.^۶

از سویی، برخی معتقد به دس و تحریف در این روایت هستند و با استناد به نبود نقشی از زنان در مقاطعی از تاریخ ایران در نقوش به جا مانده در آثار باستانی، ادعا می‌کنند که روایت عورت خواندن زن و حبس او در خانه را نمی‌توان مستقل از فرهنگ ایران باستان تحلیل کرد.

→ زنان را به رسمیت می‌شناسد («دلالت‌های تشبیه زنان به حرث در آیه ۲۲۳ سوره بقره با رویکرد تحلیلی - انتقادی آرای نواندیشان ناعصر پیرامون آن»، ص ۱۱۷). آنان از این نکته غفلت کرده‌اند که این تعبیر اشاره به قدرت باروری زن و پرورش دهنده بودن او دارد؛ ضمن آن‌که قرآن واژه‌های مربوط به افعال جنسی را به صورت کنایی و در کمال ادب و حیا بیان کرده است (المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۲۳).

۱. سوره روم، آیه ۲۱.

۲. «روایت عی و العوره و وجوب حجاب شرعی تا قرن پنجم»، ص ۱۱۵.

۳. صحیح البخاری، ج ۷، ص ۳۸.

۴. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۵۰.

۵. شرح صحیح البخاری لابن بطلال، ج ۷، ص ۳۶۴.

۶. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۵۰.

این روایت - که مبنای منع حضور اجتماعی زنان است - از فرهنگ سرزمین تازه فتح شده ایران به سرزمین اعراب راه یافته است.^۱ عده‌ای نیز معتقدند که ظهور این روایات «عی و العوره» در کوفه و رشد آن در بصره براساس ملیت اولین قایلان این اندیشه در این دو منطقه بوده است و اصل این اندیشه از ابن مسعود، نشر یافته و از نیمه دوم قرن دوم، پی‌ریزی گردیده و در منابع روایی قرن سوم به بعد به ثبت رسیده است.

ابن مسعود (۳۲ق) بنیان‌گذار آرای فقهی کوفیان شخصیت زاهدی داشته، به گونه‌ای که ابن حجر می‌گوید: در بین اصحاب پیامبر ﷺ زاهدتر از وی ندیده است. معمولاً یکی از مظاهر زهد، دوری از زنان است و از این جهت ابن مسعود از زنان دوری می‌کرد. روایاتی از سخت‌گیری او نسبت به حضور اجتماعی زنان گزارش شده است، از جمله این‌که: ابن مسعود با آن‌که اهل عبادت بود، زنان را از مسجد بیرون می‌کرد.^۲ در خطبه نماز جمعه به آن‌ها می‌گفت این جا مجلس شما نیست، به خانه‌هایتان برگردید!^۳ و حضور آنان در جامعه را نمی‌پسندید. کوفه به دلیل وجود ابن مسعود و دیدگاه او مرکز مذمت زنان بود و اصولاً این روایات در این زمان و مکان به وجود آمد و همچنین دلیل مجموعه روایات مذمت زنان نارضایتی کوفیان و بصریان از ماجرای جمل و عایشه است که بعد از رحلت عایشه، برای نقد او در کوفه شکل گرفت.^۴

خاستگاه سومی نیز برای این روایت قابل تصور است. با جستاری در منابع ادبی، ضرب‌المثل‌ها و اشعار عصر جاهلی، جایگاه تعبیر «المرأة عی و العوره» در فرهنگ عصر جاهلی مشخص می‌شود؛ فرهنگی که برای تغییر گفتمان حاکم بر آن، زمان طولانی نیاز بود و با توجه به رخداد های صدر اسلام بسیاری از رسومات فرهنگی عصر جاهلی، بار دیگر در کمتر از نیم قرن در مدینه رخ نمود.^۵ در گزارش تاریخی و روایی آمده است: زمانی که لشکر قریش در آستانه جنگ احد به «أبواء»، قریه‌ای در راه مدینه به مکه رسید که محل دفن «آمنه بنت وهب» بود، برخی از کفار

۱. «روایت عی و العوره و وجوب حجاب شرعی تا قرن پنجم»، ص ۱۱۷.

۲. المعجم الكبير، ج ۹، ص ۲۹۴.

۳. أنساب الأشراف، ج ۱۱، ص ۲۲۸.

۴. «تاریخ گذاری روایات إذا كانت... امورکم الی نساتکم فبطن الارض خیر من ظهرها بر مبنای تحلیل اسناد و متن»، ص ۴۴.

۵. «روایت عی و العوره و وجوب حجاب شرعی تا قرن پنجم»، ص ۱۱۹.

قریش پیشنهاد شکافتن قبرایشان را دادند تا جسد او را خارج کنند؛ زیرا چنان که اگر جنگ به نفع مسلمانان تمام شد، آن را نشان پیامبر ﷺ دهند تا به احترام مادرش، زنان قریش را از اسارت آزاد کند؛ زیرا «النساء العوره» است و پیامبر ﷺ نسبت به مادرش بسیار نیکوکار بود. البته ابوسفیان بعد از مشورت، این طرح را رد کرد،^۱ اما استفاده از تعبیر «النساء العوره» - که همان «المرأة العوره» است - نشان از وجود ریشه این عبارت در فرهنگ جاهلی دارد. همچنین واژه «عی» به معنای «زبان بسته» در فرهنگ ادب جاهلی دیده می‌شود. این تعابیر نشان‌گر شیوع و رواج این اصطلاح یا ضرب‌المثل «النساء العوره» در بین مشرکان در عصر جاهلی و عصر اسلام است و به مرور زمان به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است.

۳-۲-۳. ریشه شکل‌گیری روایات «حبس النساء» با این قرائت

با توجه به عدم سازگاری روایات «حبس النساء» به این معنا، با متن قرآن و سیره نبوی، باید ریشه تولید و نشر این روایت را در جای دیگر جستجو کرد. با بررسی اسناد تاریخی ردپای فرهنگ یهود و فرهنگ‌های وارداتی را در تولید و نشر این روایات می‌توان دید. توضیح این‌که در منطقه جزیره‌العرب پیش از اسلام، مانند بسیاری از ملل دیگر، گفتمان فرودستانه‌ای نسبت به زن، حاکم بود که با ظهور گفتمان اسلامی، زن از مقام و موقعیت بهتری برخوردار شد. با وجود ایجاد شرایط مطلوب برای زنان در عصر اصلاحی (عصر نزول) که به آن اشاره شد، با رحلت نبی اکرم ﷺ، بسیاری از سنت‌های جاهلی بازتولید شد و از همان ابتدا، خلفا به عنوان جانشینان پیامبر ﷺ روشی بر خلاف منش ایشان در پیش گرفتند که انحراف از مسأله جانشینی پیامبر ﷺ، اولین گام در تغییر گفتمان نبوی بود که به تدریج در سایر عرصه‌ها از جمله مسأله زنان نیز نمود پیدا کرد.

سیاست منع نقل و نگارش احادیث نبوی از طرفی و میدان دادن به نومسلمانان یهود و نصارا و قصاص و داستان سرایان از طرف خلیفه دوم و معاویه از طرف دیگر، زمینه ورود فرهنگ یهود و تغییر سمت و سوی گفتمان اسلامی شد. لذا در گام نخست، حاکمیت نخستین عامل بازتولید گفتمان جاهلی نسبت به زنان بود و از طرفی، باورهای ادیان پیش از اسلام خصوصاً یهود عامل دیگری در بازگشت به گفتمان جاهلی زن‌ستیزی بود.

البته ناگفته نماند که اهل کتاب قبل از اسلام بر عرب‌ها سلطه فرهنگی داشتند. این تسلط فرهنگی بعدها نیز ادامه داشت و اهل کتاب مسلمان شده، با نقل قصه‌های تورات و

۱. أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۹۴؛ المغازی، ج ۱، ص ۲۰۶.

انجیل این تسلط را حفظ کردند. هشدارهای وقت و بی وقت پیامبر اکرم ﷺ و صحابیانی چون عبدالله بن عباس^۲ در برحذر داشتن مسلمین از مصاحبت و نقل حدیث از یهودیان تازه مسلمان شده را می توان مؤید این ادعا گرفت تا آن جا که پیامبر فرمود:

«لا تاخذوا دینکم من مسلم اهل الکتاب»؛^۳

دینتان را از کسانی که اهل کتاب بوده و مسلمان شده اند، نگیرید.

با این همه، پس از پیامبر این هجمه فرهنگی ادامه یافت، بلکه به عللی از جمله حمایت خلفا و شخص معاویه تقویت شد. این تأثیرگذاری در قلمرو مسائل زنان نیز اثر بسیار گذاشته که شواهد تاریخی بسیاری بر این ادعا وجود دارد.^۴

در این مجال به موارد مرتبط با تولید روایات «حبس النساء» به این معنا اشاره می کنیم. در فرهنگ یهود، دیدگاه غالب به زن آن است که خداوند او را از دنده مرد خلق کرده است.^۵ این تلقی بیانگر آفرینش غیرمستقیم زن و در نتیجه، درجه دو بودن اوست که زمینه را برای برداشت های زن ستیزانه فراهم ساخته؛ به ویژه که او به عنوان عامل گناه اولیه آدم نیز معرفی شده است.^۶

ردپای این نگرش را در تولید روایات «حبس النساء» می بینیم که به علت خلقت زن از مرد و تمایل او نسبت به مردان دستور به حبس و زندانی کردن آنان می دهد. نکته ای که در نگاه به موقعیت زن در جامعه اسلامی بعد از نبی اکرم ﷺ قابل تأمل است، این است که بینش فرهنگ اسلامی در موضوع خلقت بر اساس نص قرآن، خلقت زن و مرد از اصل واحد است. اما عرف متداول در جامعه مسلمانان خلقت زن را از دنده چپ مرد می دانست که در نتیجه این نگرش، زن طفیلی مرد و موجودی درجه دو محسوب می شد که باید در خانه محبوس باشد تا مبادا با حضور در عرصه جامعه موجب فتنه انگیزی شود. ردپای این جریان را در تولید روایت «عی و العوره» هم می توان احساس کرد و احتمال ورود چنین ادبیاتی را از اهل کتاب به فرهنگ عرب داد. فرمان های زیر در کتاب لایوان، سومین کتاب عهد عتیق،

۱. اضواء علی السنة المحمدية أو دفاع عن الحدیث، ص ۱۶۷.

۲. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۳، ص ۳۳۴.

۳. لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۹۵.

۴. شخصیت و حقوق زن در اسلام، ص ۱۷.

۵. کتاب مقدس، ۱۹۳۵ م، سفر پیدایش، فرمان ۲، ش ۲۱ و ۲۲.

۶. همان، فرمان ۳، ش ۱۲ و ۱۳.

نشان‌گر وجود تفکر «عورت بودن» زن در آموزه‌های یهود است:

عورت زن پدر خود را کشف مکن، آن عورت پدر توست.^۱

و یا:

عورت برادر پدر خود را کشف مکن و با زن او نزدیکی منما. او به منزله عمه توست.^۲

و فرمان‌هایی از این دست.

نکته قابل تأمل این‌که در این عبارت‌ها در حالی زن به عنوان عورت مطرح شده که واژه عورت معنای شرمگاه و اندام جنسی هم هست. بر این اساس، مادر فرد، عورت پدرش محسوب می‌شود. لذا وجه شبهه، مستور کردن هردو است. در مجموع این تعابیر، نشانگر شیوع و رواج این اصطلاح یا ضرب‌المثل «النساء العوره» در فرهنگ یهود بوده است و از این جهت است که عده‌ای خاستگاه آن را در فرهنگ یهود می‌دانند^۳ که نشان از تأثیرپذیری فرهنگ مسلمانان از فرهنگ یهود بوده است. علاوه بر این، راویان وابسته به حکومت، مفاهیم دیگری را از باورهای یهودی در باب جایگاه زن وارد فرهنگ مسلمانان کردند که مجال دیگری را برای پرداختن به آن‌ها می‌طلبد. آن‌چه قابل تأمل است، این‌که نزدیکی راویان اسرائیلیات با حکومت شام، زمینه را برای بازگشت به گفتمان جاهلی و فاصله گرفتن از گفتمان اصلاحی عصر نزول بیشتر کرد.

افزون بر این، پس از ورود آرای یونانی در جهان اسلام و دیدگاه‌های فیلسوفانی چون ارسطو که قایل به نقص طبیعی و ذاتی زن بوده‌اند،^۴ این دیدگاه‌ها نه تنها تداوم یافت، بلکه با عامل برون فرهنگی هم تأیید و تقویت شد. به این طریق، بازتولید گفتمان جاهلی ادامه داشت تا این‌که در نیمه دوم قرن سوم و اوایل قرن چهارم، هم‌زمان با تدوین نخستین آثار حدیثی، برخی از روایت‌های جعلی متأثر از اسرائیلیات در زمینه‌های مختلف، از جمله زنان، در کنار احادیث صحیح، وارد متون روایی شد و به اسم بینش اسلامی نسبت به زن گسترش یافت. بنابراین، با توجه به خواست حاکمیت اسلامی برای به حاشیه راندن گفتمان اسلام در خصوص زنان - که با نفوذ علمای یهود و تقویت فرهنگ‌های برون دینی قوت گرفت -

۱. لاویان، فرمان ۱۸، ش ۸.

۲. همان، فرمان ۱۸، ش ۱۴.

۳. «روایت عی و العوره و وجوب حجاب شرعی تا قرن پنجم»، ص ۱۲۰.

۴. «زن از دیدگاه ارسطو»، ص ۱۴.

نمی‌توان انتظار داشت که رویکرد جامعه و البته متون دینی که در این فضا تدوین شده بود، با گفتمان اصلاحی (گفتمان قرآنی) منطبق باشد. لذا شاهد تولید روایات «حبس النساء» هستیم که بهترین مکان را برای زن، قعرخانه می‌داند و اگر ضرورتی برای خروج از منزل پیش آید، باید با اجازه شوهر، آن هم با لباسی مندرس و ظاهری ناآراسته باشد که نکسی صدای او را نشنود.^۱

لذا آن‌چه بعد از نبی اکرم ﷺ در جامعه رخ داد، اقدامات ایشان و اجرای آموزه‌های اسلامی در مورد زن نبود، بلکه دیدگاه‌های ملامت‌گرایانه نسبت به زنان، بازتاب‌دهنده ذهنیات رایج فرهنگ زمانه درباره زنان و نحوه کنش‌گری آن‌ها بوده است. این بخش از روایات، بیش از آن‌که با متن قرآن، قابل قیاس باشد، به دیدگاه‌هایی که در این سده‌ها پذیرفته و معمول بوده و جزویکی از پارادیم‌های رایج زمانه تلقی می‌شد، شباهت دارد. این مسأله در نهایت، تحریف آموزه‌های پیامبر اکرم ﷺ نسبت به زن را به دنبال داشت و موجب حذف تدریجی زنان از مناسبات اجتماعی شد.

۱-۳. برداشت دوم: به ازدواج درآوردن زنان و حفاظت از آنان

همان‌طور که مشخص شد، برداشت عرفی و مشهور از روایات حبس النساء دارای اشکالاتی است که چالش‌هایی را در خصوص خوانش اسلام از زن به وجود می‌آورد. برای برون رفت از این نگرش لازم است بدانیم که برداشت دومی از روایات حبس النساء وجود دارد که مربوط به جناب کلینی است و اشکالات ذکر شده را حل می‌کند.

مرحوم کلینی در کتاب شریف الکافی این روایات را حمل بر تسریع در ازدواج زنان و حفاظت از آنان توسط همسرانشان کرده است. ایشان روایات فوق را ذیل باب «بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ مِنْ تَزْوِجِ النِّسَاءِ عِنْدَ بُلُوغِهِنَّ وَتَخْصِيْنِهِنَّ بِالْأَزْوَاجِ» آورده است و هدف از آن را دعوت به تسریع در ازدواج می‌داند، نه حبس زن.^۲ همان‌طور که واژه حصن را نه به معنای زندانی کردن، بلکه به معنای محافظت به کار برده است و در توضیح عبارت «فَخَصَّصُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ» عنوان کرده که منظور از بیت، زوج است؛^۳ یعنی آن‌ها را با شوهران محافظت کنید. او روایات «حبس» را نیز ذیل همین عنوان ذکر کرده است و همان معنا را اراده کرده

۱. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۳۳.

۲. مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۲۹.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۷.

است. شهید مطهری نیز ضمن ذکر نظر جناب کلینی این روایات را بر تمایل طبیعی زن بر مرد و مرد بر زن حمل کرده است^۱ که همین تمایل می‌تواند زمینه تسریع در ازدواج و حکمت آن را فراهم سازد. بر اساس این خوانش، روایات فوق با فحوای کلام قرآن کریم و سنت نبوی سازگار بوده که می‌تواند صدور آن از جانب معصوم علیه السلام را قوت بخشد و اشکالات برداشت اول را به همراه نخواهد داشت.

۴. نتیجه‌گیری

۱. با بروز و ظهور تحولات نوین در گفتمان حاکم بر فرهنگ غرب و مواجهه جهان اسلام با این تحولات، در سده اخیر، شاهد شکل‌گیری سبک زندگی جدید در جوامع مسلمان هستیم که به همراه خود پرسش‌ها و شبهات فراوانی را به ارمغان آورده است. بی‌تردید، یکی از این چالش‌های نوپدید در جهان اسلام - که محصول این مواجهه است - پرسش از جایگاه زن در اسلام و چرایی وجود گفتمان فرودستانه و مذمت نسبت به زن در متون روایی است.

۲. در متون دینی با مجموعه روایاتی مواجه هستیم که دعوت به حبس زنان می‌کند، علما و شارحان حدیث دو نوع برداشت از این روایات داشته‌اند. برداشت اول - که برداشت عرفی و مشهور است - این روایات را حمل بر «دعوت به حبس زنان» کرده است که با چالش‌های زیر مواجه است.

الف. روایاتی که توصیه به حبس و زندانی کردن زنان می‌کند - که ما در این مجال از آن تحت عنوان روایات «حبس النساء» یاد کردیم - علاوه بر این که در ارزیابی اسناد این روایات اختلاف وجود دارد، با نص صریح قرآن که حضور اجتماعی زنان را نه تنها به رسمیت شناخته، بلکه نمونه‌ها و الگوهای عملی نیز معرفی می‌کند و سیره عملی رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز بر این مبنا حرکت کرده و آن جناب در تعاملات اجتماعی زنان را سهیم می‌کردند، ناسازگار است.

ب. وجود ردپای فرهنگ یهود در تولید و نشر روایات «حبس النساء» و عملکرد حاکمیت در حمایت و به رسمیت شناختن یهودیان نومسلمان که سعی داشتند منظومه فکری یهود را در جامعه اسلامی ترویج کنند و از سوی فرهنگ‌های وارداتی نیز تقویت می‌شد، اصالت صدور این دسته از روایات از جانب معصوم علیه السلام را شک برانگیز ساخته و با تردید جدی همراه می‌سازد.

ج. دعوت به حبس زنان در خانه با استناد به روایات «حبس النساء» حاصل فرهنگ

۱. یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۳، ص ۱۴۰.

مسلمانان بوده، نه فرهنگ اسلامی که داعیه دار مبارزه با تبعیض جنسیتی و ظلم به زنان است.

۳. برداشت دوم - که راه برون رفت از چالش‌های برداشت عرفی از روایات «حبس النساء» است - نظر مرحوم کلینی است که این روایات را حمل بر تسریع در ازدواج زنان و محافظت از آنان توسط همسرانشان کرده است که به نظر نگارنده، این برداشت نه تنها نگاه درجه دومی به زن تولید نمی‌کند، بلکه با گفتمان کلان دین به زن و اهمیت تشکیل خانواده نیز سازگار است.

کتابنامه

- قرآن کریم، مترجم: آیه الله مکارم شیرازی.
- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، محمد امینی گلستان، قم: انتشارات سپهرآذین، بی تا.
- اختیار معرفة الرجال (مع تعلیقات میرداماد الاسترآبادی)، محمد بن عمرکشی، محقق / مصحح: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۳۶۳ ش.
- الاربعون الزاهرة المنسوبة إلى العترة الطاهرة (منتخب الأشعثیات)، محمد بن محمد بن جزری، محقق: محمد جواد نورمحمدی، بی جا، بی تا.
- الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، أبو عمر یوسف بن عبدالله قرطبی، محقق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجمیل، ۱۴۱۲ ق.
- أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین ابن اثیر، محقق: علی محمد معوض، عادل أحمد عبدالموجود، تهران: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
- أصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، مسلم داوری، بی جا، ۱۴۱۶ ق.
- اضواء علی السنة المحمدية أو دفاع عن الحديث، محمود أبوریه، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۶ ق.
- إقبال الأعمال، علی بن موسی سید بن طاووس، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- الام، محمد بن ادريس شافعی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۰ ق.
- أنساب الأشراف، أحمد بن یحیی بلاذری، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
- تاج العروس من جواهر القاموس، مرتضی زبیدی، بیروت: دارالفکر، بی تا.

- تاریخ المدينة المنورة، ابوزید ابن شبة، محقق: فهیم محمد شلتوت، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
- تاریخ بغداد، ابوبکر أحمد بن علی خطیب بغدادی، محقق: بشار عواد معروف، بیروت: دارالغرب الإسلامي، ۱۴۲۲ق.
- ترجمه تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، مترجم: محمد باقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۰ش.
- تفسیر اثنی عشری، حسین شاه عبدالعظیمی، تهران: میقات، بی تا.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۸۷ش.
- جامع احادیث الشیعه، سید حسین بروجردی، مؤلف: شیخ اسماعیل معزی ملایری، قم: انتشارات الصحف، ۱۳۷۳ش.
- الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن اشعث کوفی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
- جمهرة اللغة، ابوبکر محمد بن حسن ابن درید، محقق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دارالعلم الملايين، ۱۹۸۷م.
- الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، یوسف بحرانی، محقق: محمد تقی ایروانی، قم: مؤسسة نشر اسلامی، بی تا.
- حقوق و تکالیف زوجین و مقایسه تطبیقی متون مذهبی از قرآن و کلام اهل بیت علیهم السلام، منصوره وطنی، قم: انتشارات زائر، بی تا.
- خلاصة الاقوال، حسن بن یوسف حلی، محقق: محمد صادق بحر العلوم، قم: الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، آقابزرگ محمد حسن تهرانی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- روش عملیاتی تحلیل گفتمان، حسن بشیر، تهران: سروش، ۱۳۹۹ش.
- زن و فرهنگ دینی، مهدی مهریزی، تهران: هستی نما، ۱۳۸۴ش.
- سبک زندگی اسلامی از منظر اهل بیت علیهم السلام، محمد جعفریان، قم: انتشارات مجمع ذخائر اسلامی، بی تا.
- السيرة النبویه، عبدالملک بن هشام، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
- شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهدی مهریزی، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۸۲ش.

- شرح صحیح البخاری لابن بطلال، أبو الحسن علی بن خلف ابن بطلال، تحقیق: أبو تمیم یاسر بن ابراهیم، ریاض: مكتبة الرشد، ۱۴۲۳ق.
- شناخت نامه حدیث، محمدی ری شهری، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۹۷ش.
- صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
- علل الشرائع، محمد بن علی صدوق، نجف: المكتبة الحیدریة، بی تا.
- فتح الباری شرح صحیح البخاری، أحمد بن علی عسقلانی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق.
- فتوح البلدان، أحمد بن یحیی بلاذری، محقق: صلاح الدین منجد، قاهره: مكتبة النهضة المصرية، بی تا.
- فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الاصول، محمد بن حسن طوسی، محقق: عبدالعزیز طباطبائی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی، حسن بشیر، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الکامل فی التاریخ، عزالدین ابن اثیر، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ق.
- کتاب العین، خلیل بن أحمد فراهیدی، محقق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم: دار و مكتبة الهلال، بی تا.
- کتاب المؤمنات، ابو معاش، سعید، بی جا، بی تا.
- کتاب مقدس (ترجمه فارسی)، عهد عتیق و عهد جدید، لندن: دارالسلطنه، ۱۹۳۵م.
- کتاب نکاح (تقریرات درس حضرت آیه الله شبیری زنجانی)، موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۳۸۳ش.
- لسان المیزان، أحمد بن علی عسقلانی، محقق: عبدالفتاح أبو غدة، بیروت: دارالبشائر الإسلامیة، ۲۰۰۲م.
- مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، محقق و مصحح: محسن حسینی امینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

- مرآة الكمال لمن رام درك مصالح الاعمال، عبدالله مامقانی، بیروت: دارالامیره، ۱۴۲۶ق.
- المصنف، عبد الرزاق صنعانی، هند: مجلس علمی، ۱۴۰۳ق.
- المعجم الكبير، سليمان بن أحمد طبرانی، محقق: حمدي بن عبدالمجيد السلفی، قاهره: مكتبة ابن تيمية، چاپ سوم، بی تا.
- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خویی، قم: مؤسسة الخوئی الإسلامية، بی تا.
- معجم مقانیس اللغة، أبوالحسين أحمد بن فارس، محقق: عبد السلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
- المغازی، محمد بن عمرو قادی، قم: اعلمی، بی تا.
- المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، محقق: صفوان عدنان داودی، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی صدوق، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- السوفی، محمد محسن فیض کاشانی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
- وسائل الشیعه، محمد بن حسن حرعاملی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
- یادداشت‌های استاد مطهری، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۸ش.
- «تاریخ‌گذاری روایات إذا كانت ... امورکم الی نساءکم فبطن الارض خیر من ظهرها بر مبنای تحلیل اسناد و متن»، محمد کاظم رحمان ستایش؛ معصومه ریعان، علوم حدیث، ۱۳۹۵ش، ۸۱، ص ۲۵-۵۰.
- «تأملی بر نظریه خانه نشینی زن در فقه اسلامی»، فرج اله هدایت‌نیا، مطالعات راهبردی زنان، تابستان ۱۳۹۶ش، سال نوزدهم، شماره ۵۹.
- «تحلیل گفتمان چیست؟»، احمد یحیایی ایله‌ای، نخستین نشریه بین‌المللی روابط عمومی، علمی و آموزشی، بی تا.
- «حبس خانگی از منظر قرآن کریم و روایات فقه اسلامی»، محمد علی حاجی ده‌آبادی و احمد فصیحی، مجله قرآن فقه و حقوق اسلامی، بهار و تابستان ۱۴۰۰ش، شماره ۱۴.
- «دلالت‌های تشبیه زنان به حرث در آیه ۲۲۳ سوره بقره با رویکرد تحلیلی - انتقادی آراء

نواندیشان معاصر پیرامون آن»، لیلا ابراهیمی؛ حسین بستان؛ مهدی درستی، مطالعات علوم قرآن، تابستان ۱۴۰۱ش، شماره ۱۲.

«روایت عی و العورة و وجوب حجاب شرعی تا قرن پنجم»، ناهید طیبی و نعمت اله صفری و مهدی مهریزی، پژوهشنامه علوم حدیثی تطبیقی، ۱۴۰۰ش، سال هشتم، شماره ۱۴.

«زن از دیدگاه ارسطو»، مهناز چراغی، پنجمین همایش ملی مدیریت و علوم انسانی در ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۷ش.

«نگاهی اجمالی به روش تحلیل گفتمان»، مجید رضا کریمی و همکاران، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روان شناسی حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی، ۱۳۹۷ش.

